

گزارشی از لزوم تغییر در سیاستگذاری مهدکودک‌ها

چرا مهدکودک‌ها تجارتمانند شد؟



تقریباً در همه چیز درگیر تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز هستیم. اگر قرار بر لیست کردن نام آنها هم باشد، تمام این صفحه به علاوه صفحه‌های زیاد دیگری را هم می‌توان پر کرد. منتها غرض در این گزارش مساله مهدکودک‌هاست. جایی که به قول خیلی از متخصصان و کارشناسان آموزش و حتی روانشناسان و جامعه‌شناسان نقش مهمی در تربیت و رشد کودکان دارد و توجه به آن می‌تواند کمک خوبی به آینده پرورشی و آموزشی کودکان بکند. منتها چنین مساله‌ای با چنین اهمیتی در کشور ما، همان طور که گفتیم مثل خیلی چیزهای دیگر درگیر پاسکاری‌های سازمانی است. قوانین متعدد و سازوکارهای گوناگون طی چندین سال، خصوصاً سال‌های بعد از انقلاب باعث شده است تا آن طور که باید و شاید به مهدکودک‌ها توجه نشود و این بازه مهم از زندگی و مرحله مهم از پرورش کودکان قربانی کشمکش‌های سیاسی و سازمانی شود. خلاصه اینکه کار آنقدر بالا گرفته است که رهبری هم در آخرین فرمایشات‌شان در ارتباط تصویری با مدیران آموزشی کشور به اهمیت تعیین تکلیف و تولید مدهای کودک اشاره کردند و از وضعیت موجود در مهدکودک‌ها گلایه‌هایی داشتند. پیرو همین مساله و در راستای ادامه مسیر بررسی دغدغه‌های آموزشی، بد نیست برای بارچندم در رابطه با این موضوع پراهمیت یعنی فعالیت مدهای کودک و مسیر سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و نظارت بر آنها صفحه‌ای را سیاه کنیم تا شاید بالاخره بعد از مدت‌ها دعوی تکراری و حوصله‌سیر سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش بر سر مهدکودک‌ها پایان بگیرد و شاهد سیاستگذاری‌های سالم و نظارت بر محتوای آموزشی و پرورشی باشیم. فضای یلبشوی موجود تا جایی پیش رفته است که فارغ از الزامات و برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های نیم‌بند در رابطه با مهدکودک‌ها، برخی پول و سرمایه خوبی از این مسیر به جیب می‌زنند و خیلی هم برایشان مهم نیست که متولی مهدکودک‌ها بهزیستی باشد یا وزارت آموزش و پرورش، خدمات‌شان را ادامه می‌دهند، ارزش افزوده روی خدمات می‌گذارند و ماهیانه میلیون‌ها تومان پول از والدین می‌گیرند. کسی هم به آنها نمی‌گوید بالای چشم‌تان ابروست! در همین راستا ابتدا بد نیست برای ورود به گزارش نگاهی به آمار جامعه‌ای که قصد بررسی وضعیت‌شان را داریم، بیندازیم. چند کودک به مهدکودک می‌روند، چند مهدکودک داریم و انواع آنها چیست و ...



مهدکودک به یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است

رهبر انقلاب در دیدار تصویری اخیر با روسا و مدیران آموزشی کشور در اجلاس سرسری مدیران آموزشی ذیل بیانات مهمی که در حوزه آموزش و پرورش کشور داشتند، اشاره ویژه‌ای به مساله مدهای کودک و روند مدیریت و نظارت بر آنها نیز کردند. ایشان در این رابطه فرمودند: «یک مساله، مساله مهدکودک‌ها و پیش‌دستانی‌ها است. مهدکودک‌ها متأسفانه رهاست؛ مهدکودک‌ها هم ذیل آموزش و پرورش است. اولاً دستگاه‌های مختلف دولتی با هم در این زمینه بگومگو دارند که این بگومگوها باید برطرف بشود؛ وانگهی وقتی که دستگاه‌ها را شما بگذارید، دیگران می‌آیند بچه‌های مردم را می‌گیرند، می‌برند آنجا و تربیت‌های غلط داده می‌شود. گزارش‌های بسیار بدی بنده دریافت کردم از بعضی از مهدکودک‌ها که واقعا نگران‌کننده است. اداره کنید مهدکودک‌ها را. مهدکودک هم فقط یک مرکز خدماتی نیست که بچه‌ها را حفظ کنند و خدمت بدهند، [بلکه] به یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است، منتها خوب با زبان خاص خود، با شیوه خاص خود، وقتی که ما می‌گوییم برای مهدکودک‌ها برنامه داشته باشید، به طریق اولی پیش‌دستانی‌ها [اهمیت پیدا می‌کنند]. پیش‌دستانی هم جای بسیار مهمی است، آنجا هم فکر لازم دارد، باید فکر کنید، برای آن برنامه فراهم بکنید و [برای] بچه‌ها که حالا به‌طور طبیعی همه از پیش‌دستانی عبور می‌کنند - که سابق [اینچور] نبود - این را جوری [اداره] بکنید که ان‌شاءالله اینجا بتوانند از این فرصت استفاده کنند». این بیانات و دغدغه‌ها و گلایه‌های رهبری باعث شد تا دوباره ماجرای مهدکودک‌ها و مدیریت و نظارت بر آنها و محتوای ارائه‌شده در آن بر سر زبان‌ها بیفتد و به جای حل مساله همان دعوی قدیمی بین بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش تکرار شود. ماجرای که سال‌هاست به تکرار آن خصوصاً در این ایام عادت کرده‌ایم و در تمام این سال‌ها هیچ اتفاق مثبت و خاصی در مسیر حل این مشکل نیفتاده است. راستش را بخواهید قصد تقسیم و تعیین تکلیف برای آینده مهدکودک‌ها را نداریم و قرار نیست که تمام زورمان را بزنیم که مثلاً مدهای کودک به آموزش و پرورش برسد، منتها رویه فعلی حتماً باید در مسیر اصلاح قرار بگیرد. آموزش و پرورش خودش در مسئولیت‌هایی که داشته و باید انجام بدهد مانده با این همه مدهای کودک هم همان طور که رهبری گفتند صرفاً یک مرکز خدماتی نیست که هر چیزی که مربیان و گردانندگان آنها بخواهند به کودکان تزریق کنند و پولش را بگیرند، اتفاقاً کاملاً آموزشی و پرورشی است و حالا اینکه بهزیستی می‌تواند این بار را بر دوش نگه دارد و آن را اصلاح کند یا باید مدها تحت مدیریت و اختیار آموزش و پرورش قرار بگیرند، شاید کمی بعدتر مشخص شود. مساله‌ای که حتی اگر رئیس بهزیستی از داشتنش دفاع بکند و حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش در رابطه با آن بگوید: «وضع کنونی مهدکودک‌ها انضباط لازم را ندارد و باید بر محتوای آموزش در مهدها نظارت شود». کار از کار پیش نخواهد رفت، چون مثل خیلی دیگر از فعالیت‌ها و موارد، اینجا هم پای قوانین در میان است و تا در این زمینه به اجماعی نرسیم، اظهارنظرها و تایید و تکذیب‌ها نتیجه‌اش می‌شود همین چیزی که تا به حال بوده است.

درکل حال مهدکودک‌ها خوب نیست، نه مالی، نه محتوایی و نه مدیریتی!

قصد تولید و مسئولیت مدهای کودک، شاید از برغصه‌ترین موضوعات در نظام آموزشی و تربیتی کشور ما باشد؛ مساله‌ای که یکی از اصلی‌ترین علل آن را می‌توان در قانونگذاری یا بهتر بگوییم، تعدد قوانین مربوطه به علاوه تعدد نهادهای مسئول و ناظر بر آن دانست. مساله‌ای که سال‌هاست گریبانگیر نظام آموزش و تربیت کشور بوده است و نزدیکی‌های ایام ثبت‌نام کودکان در مهدها و آغاز سال تحصیلی و تربیتی‌شان، بر سر زبان‌ها می‌افتد. ماجرای که از اصل‌شان و جایگاه خدماتی بودن یا آموزشی بودن مهدها آغاز می‌شود و در نهایت به مساله تعیین شهریه‌ها و نهاد منتفع از آنها تنزل می‌یابد. در این بین هم همان طور که گفتیم از این آب گل آلود هستند کسانی که تا می‌توانند انتفاع می‌برند و جیب‌شان را پر می‌کنند. کافی است نگاهی به شهریه‌های اعلام و منتشرشده در رسانه‌ها بیندازید و فاصله مبالغ احصاشده با شهریه‌های اعلام‌شده را هم ببخوانید، آن وقت مشخص می‌شود که در کنار مسائل تربیتی و آموزشی در مسائل مالی هم وضعیت آن طور که باید و مورد انتظار است، پیش نمی‌رود. خصوصاً حالا که کرونا آمده و وضعیت خاص تر از همیشه پیش می‌رود و حتی مخاطبان کم شده‌اند، اما هزینه‌ها همچنان بالاست و بالاتر هم می‌رود. البته اینجا هم محل سکونت تعیین‌کننده‌تر از بخشنامه‌های بهزیستی و نهاد متولی است. شمال و غرب‌نشین که باشند، به بالای ۱۰ میلیون تومان هم می‌رسد، جنوب‌نشین که باشی کمی هزینه‌ها کمتر است و وضعیت بهتر منتها اینجا هم ردیف قیمت‌ها، امکانات و خدمات هم افت پیدا می‌کنند و دیگر خبری از شهرسازی و استخر و کلاس فلان و بهمان نیست. اما باید از اینها هم بگذریم، یعنی گزارش فعالان در رابطه با هزینه‌ها و ... نیست، گفتیم که گفته باشم که اگر در بحث مدیریت و نظارت و محتوای آموزشی و ... احوال مدهای کودک خوب نیست، در باقی امور هم وضعیت همین است و حتی بدتر، اگر این روزها ساده‌ترین راه پول گرفتن از مردم است، هر که هر چقدر دلش می‌خواهد فاکتور می‌کند و مردم هم که گوشت‌شان همیشه زیر ساطور بوده و دوستی تقدیم کرده‌اند! الفصه همان دغدغه نخست را ادامه می‌دهیم.

آسیب‌شناسی مهدکودک‌ها در ایران و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

اما قوانین، تشتت نهادهای تصمیم‌گیر و ناظر بر روند فعالیت مدهای کودک، همان طور که گفتیم از علل اصلی ایجاد وضعیت موجود است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اخیراً گزارشی در رابطه با وضعیت مدیریت و تولید مدهای کودک تولید و منتشر کرده که در آن به نکات قابل‌تأملی اشاره شده است. بررسی مسائل مرتبط با مهدکودک‌ها و آسیب‌شناسی روند موجود به‌علاوه بررسی تطبیقی مدیریت مهدکودک‌ها در ایران و سایر کشورها در کنار سیر قوانین متعدد در رابطه با این نهاد، درک روشنی از وضعیت موجود ارائه می‌دهد که در ادامه به اختصار به هر کدام از آنها اشاره می‌کنیم. در این گزارش ذیل عنوان بررسی مسائل مرتبط با مهدکودک‌ها، نگاه مصرفی به مهدکودک‌ها، ناهماهنگی، پراکندگی و تداخل وظایف و اقدامات نهادهای متولی این حوزه، ضعف و خلأ سندهای سیاستی در حوزه آموزش و پرورش کودکان، زمینه طرح و مقبولیت الگوهای تربیتی و اسناد غیربومی و بین‌المللی همچون مجموعه اسناد توسعه پایدار (۲۰۳۰) و ورش‌های آموزشی مونته‌سوری، بی‌توجهی به گزاره‌ها و الزامات موجود در سند تحول بنیادین در رابطه با مهدکودک‌ها، عدم وجود نهاد متولی مشخص برای حوزه کودکان و به تبع آن عدم تدوین سند یا بسته سیاستی مشخص، فقدان متولی واحد و ملی و فقدان سند و برنامه سیاستی، نبود سند سیاستی و برنامه درسی مصوب از یک سو، تسامح و ناکارآمدی سازوکار نظارت بر عملکرد آموزشی و تربیتی مهدکودک‌ها از سوی دیگر و در نهایت تعارض الگوهای تربیتی صریح و ضمنی حاکم بر مهدکودک‌ها مبانی و ارزش‌های اسلامی از یک سو و تضاد این الگوها با الگوی تربیتی خانواده باعث شده مهدکودک‌ها با وضعیت مطلوب و مورد انتظار فاصله داشته باشند. مضاف بر این در بررسی تطبیقی صورت گرفته توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، نکات جالبی قابل مشاهده است. در این گزارش آمده است: «کودکان فرانسوی دو تا پنج ساله در کودکان‌های مستقل یا در کلاس‌های کودکانستانی وابسته به دبستان تحت آموزش قرار می‌گیرند. دوره پیش از دبستان برای همه کودکان رایگان است و دولت هزینه آن را تأمین می‌کند. آموزش پیش از دبستان در آمریکا از اواخر قرن نوزدهم بنیاد نهاده شد و از سال ۱۸۷۳ جزئی از آموزش و پرورش رسمی محسوب شد. سن پذیرش در کودکان‌ها (مراکز پیش‌دستانی) سه تا پنج سال است. در این کشور حداقل یک تا دو سال آموزش و پرورش پیش از دبستان اجباری است و برای تمامی کودکان پنج‌ساله کلاس‌های آمادگی دارد است. در بررسی گزاره‌هایی از آموزش پیش از دبستان برخی کشورها (چین، آمریکا، انگلستان و روسیه) به نکات قابل توجهی می‌توان پی برد، در این کشورها علاوه بر دولت و مسئولان نظام آموزش و پرورش، خانواده و جامعه نیز به لحاظ تأثیر مثبت آموزش‌های پیش از دبستان در رشد کودکان، به اهمیت و لزوم این دوره پی برده‌اند و آن را به رسمیت شناخته‌اند.»

فعلاً وضعیت همان همیشگی است

آخرین اظهارنظرها در درباری از اظهارات و تصمیمات در رابطه با عاقبت مدیریتی و تولید مدهای کودک، مربوط به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی است. احمدحسین فلاحی، سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی درباره واگذاری مدهای کودک به بهزیستی یا وزارت آموزش و پرورش، اظهار کرد: «بعد از دغدغه مقام‌معمول رهبری درخصوص مهدکودک، که به این مراکز به‌عنوان مراکز خدماتی نگاه شود، چراکه مدهای کودک مراکز آموزشی و تربیتی هستند، کمیسیون آموزش و تحقیقات بر این مساله ورود کرد. به همین منظور از سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش دعوت کردیم در کمیسیون حاضر شوند، سازمان بهزیستی اعلام کرد هفت درصد کودکان در اختیار ماست و ۹۳ درصد مدهای کودک خارج از دسترسی سازمان بهزیستی هستند و از این ۹۳ درصد تعدادی در اختیار آموزش و پرورش هستند و تعداد زیادی خارج از دسترسی آموزش و پرورش هستند و هر سازمانی برای خود مهدکودک دارد که از قانون واحد تبعیت نمی‌کند و نگاه خدماتی وجود دارد، در صورتی که مدهای کودک جزء حیطه آموزشی و پرورشی هستند. بنا بر این شد کمیته‌ای مشترک از سازمان بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون آموزش و تحقیقات تشکیل شود تا نسبت به تعیین تکلیف مدهای کودک تصمیم لازم صورت گیرد. با توجه به اینکه فضای سخنان مقام‌معمول رهبری مربوط به فضای آموزشی و پرورشی بوده و در این رابطه وارد بحث مهدکودک شدن، نگاه این است که این مراکز در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد و مانند بسیاری از کشورها که سن آموزش از چهار تا پنج سالگی آغاز می‌شود، در ایران نیز مهدکودک در حیطه مسئولیت وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.» این بین اما نکات دیگری هم وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. اینکه اساساً آموزش و پرورش امکان و آمادگی پذیرش مسئولیت مهدکودک‌ها را دارد؟ بهزیستی که سال‌ها مسئولیت مدها را برعهده داشته است، حالا به‌راحتی کنار می‌کشد و ایده و سیاستی برای حفظ مهدکودک‌ها ندارد؟ و ... اینها همه سوالات و نگرانی‌هایی است که در رابطه با عاقبت مهدکودک‌ها وجود دارد. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در رابطه با اختلاف آموزش و پرورش و بهزیستی بر سر مهدکودک‌ها معتقد است: «طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون مدارس و مراکز غیردولتی، تعیین شاخص‌های آموزشی و پرورشی و تدوین و نظارت بر شاخص‌های آموزشی و پرورشی در مدهای کودک با آموزش و پرورش و صدور مجوز و ارائه برنامه (منابع انسانی، فضای فیزیکی، رتبه‌بندی مدهای کودک و تعیین شهریه) با سازمان بهزیستی است. در گذشته آموزش و پرورش معتقد بود که موضوع کودکان چهار، پنج و ۶ ساله که در سن پیش‌دستانی هستند با آموزش و پرورش باشد و کودکان کمتر از چهار سال تحت نظر سازمان بهزیستی باشند، اما نظر سازمان بهزیستی این بوده که نمی‌توان کودکان زیر سنین دبستان را از هم جدا کرد و بهتر است به‌طور کلی موضوع کودکان پیش از دبستان تحت نظر یک دستگاه قرار گیرد. بنابر گزارشی که چند سال گذشته سازمان برنامه بودجه ارائه داده در برخی استان‌ها سوءتفاهم میان کودکان زیر سن دبستان وجود داشت و بهزیستی در این راستا در کنار سایر خدماتی که در مدهای کودک ارائه داد، موضوع یک وعده غذایی گرم را نیز راه‌اندازی کرد که از این طریق توانستیم به میزان ۵۰ درصد سوءتفاهم در کودکان روستا مدهای تحت پوشش را کاهش دهیم. آموزش و پرورش شاخص‌های آموزشی و پرورشی و محتوایی را برای مدهای کودک به بهزیستی معرفی نکرد. سازمان بهزیستی چندین سال است تایید تمامی محتوایی که طی بخشنامه‌ای به مدهای کودک ابلاغ می‌کند را از آموزش و پرورش دریافت می‌کند. حتی برخی کتبی که در گروه مهدکودک ارائه می‌شود علاوه بر اینکه گروه کارشناسان بهزیستی و متخصصان دانشگاهی این کتب را ارزیابی می‌کردند، پس از آن باز هم باید تایید آموزش و پرورش را دریافت می‌کرد.» شواهد و اظهارات نشان می‌دهد هنوز هم در هر همان پاشنه می‌چرخد و هم چشم انتظار مجلس هستند تا ببینند دوباره چه قانون تبصره‌ای به قوانین قبلی اضافه خواهد شد.